

## فصل دوم

# بحران مالی جهانی

تأثیر بر شرکت‌های بیمه و راه‌های مقابله با آن

شعبه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

بحران مالی و اقتصادی اخیر که تمام کشورهای دنیا را به نوعی تحت تأثیر قرار داده است، به رغم اثرات ناگواری که به دنبال داشته، فرصت مناسبی را جهت تغییر و اصلاح قوانین و مقررات نظارتی در جهان فراهم کرده است. اجلاس گروه ۲۰ که در ۲ آوریل ۲۰۰۹ در لندن برگزار گردید، اقدامی در راستای استفاده از این فرصت بود. در این مقاله، ابتدا به بررسی دلایل بروز بحران مالی فعلی می‌پردازیم؛ سپس با استفاده از نظرات تخصصی انجمن ژنو<sup>۱</sup> و فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا<sup>۲</sup> در مورد بحران مالی اخیر و وضعیت شرکت‌های بیمه - که پیش از برگزاری اجلاس فوق‌الذکر در اختیار سران کشورهای عضو گروه ۲۰ قرار گرفته بود - به شرح تأثیر این بحران بر روی شرکت‌های بیمه و راه‌های مقابله با آن می‌پردازیم. ضمناً ترجمه متن نامه انجمن ژنو به وزرای دارایی کشورهای عضو گروه ۲۰ و همچنین نامه فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا به نخست‌وزیر انگلستان درباره بحران مالی اخیر و وضعیت شرکت‌های بیمه به صورت خلاصه در پیوست‌های ۱ و ۲ قابل مشاهده است.

## ۲-۱. دلایل بروز بحران مالی فعلی

بحران مالی فعلی در دنیا نتیجه تقبل ریسک‌های حساب‌نشده از سوی مؤسسات عظیم و با نفوذ مالی به‌خصوص در آمریکا بوده است. دلیل این ریسک‌پذیری بیش از اندازه را می‌توان ترکیبی از خوش‌بینی نسبت به آینده رشد اقتصادی و افزایش قیمت دارایی‌ها، پایین‌بودن نرخ بهره برای مدت طولانی، نامتقارن بودن اطلاعات بین وام‌گیرندگان و مؤسسات مالی ارائه‌کننده اعتبار دانست. همچنین به اعتقاد برخی از کارشناسان، قبول پیش‌فرض‌های ذیل که پایه و اساس چندان محکمی ندارند، به بروز این بحران دامن زده است:

## ۲-۱-۱. پیش‌فرض اول: باور به بالابودن اعتبار استقراض‌کنندگان

خوش‌بینی مؤسسات مالی به افزایش قیمت املاک و مستغلات باعث شد که این مؤسسات احتمال بازگشت وام‌ها را بیش از واقع برآورد نمایند و نرخ‌های بهره پایین‌تری را برای این وام‌ها منظور کنند که این موضوع، سبب درخواست وام مسکن از طرف خانوارهایی شد که درآمد متناسب با میزان وام مورد تقاضا را

1. Geneva Association

2. Comite Europen des Assurances

نداشتند. علاوه بر این، برخی کارشناسان اقتصادی، مسئولیت دولت‌ها در پایین نگه داشتن نرخ بهره برای سال‌های طولانی بدون توجه به تعادل‌های اقتصاد کلان (نسبت پس‌انداز به درآمد ملی)، تشویق شرکت‌های بزرگ نیمه‌دولتی مسکن برای اعطای اعتبارات با شرایط یکسان به متقاضیانی که جریان درآمدی منظمی نداشته‌اند و نیز عدم نظارت دقیق و مناسب بر سوءاستفاده از مقررات مالی و اعتباری و تلاش برای شفاف‌سازی سازوکارهای بازارهای اعتباری و مالی را در پیدایش این ذهنیت مؤثر دانسته‌اند (عسلی، ۱۳۸۸).

### ۲-۱-۲. پیش فرض دوم: اعتقاد به هوشمندانه بودن پروژه‌های سرمایه‌گذاران

فرض هوشمندانه بودن طرح‌های سرمایه‌گذاری وام‌گیرندگان، موجب آسودگی خیال مؤسسات مالی و بانک‌ها و در نتیجه مانع بررسی و تحقیق دقیق در مورد معتبر بودن وام‌گیرندگان شد. با دسترسی روزافزون به داده‌های آماری و فناوری‌ها و مدل‌های مدرن محاسبه سودآوری پروژه‌های سرمایه‌گذاری، این باور عمومیت یافته بود که هم وام‌گیرندگان و هم مؤسسات مالی اعطاکننده تسهیلات از هوشمندی لازم برای احتراز از ریسک‌های بالا برخوردار بوده و قادر هستند ریسک هر پروژه مشخص را برآورد کرده و با روش‌های پیشرفته بیمه‌های اعتباری پوشش دهند؛ بنابراین ریسک این سرمایه‌گذاری‌ها عملاً ناچیز برآورد شد (عسلی، ۱۳۸۸).

### ۲-۱-۳. پیش فرض سوم: گسترده بودن توزیع ریسک‌ها

بین فعالان بازارهای مالی و اعتباری این اعتقاد به وجود آمده بود که ریسک موجود به گسترده‌ترین شکل ممکن بین سرمایه‌گذاران در سطح جهانی توزیع شده است و حتی در صورت وقوع اشتباهاتی در تجزیه و تحلیل‌های مالی و در اعطای اعتبارات، توزیع ریسک بین تعداد بسیار زیادی از سرمایه‌گذاران و عدم تمرکز ریسک، می‌تواند مانع حادث شدن مسئله شوند (عسلی، ۱۳۸۸).

اما اکنون معلوم شده است که وام‌های اعطایی به شمار قابل توجهی از دریافت‌کنندگان وام برای خرید خانه، ریسک قابل توجهی داشته است که پایین برآورد شده بود. همچنین مشخص شده است که در کارآیی سیستم رده‌بندی ریسک پروژه‌های مختلف و نیز توزیع ریسک بین شمار زیاد سرمایه‌گذاران بیش از حد اغراق شده بود که این موضوع سبب شد اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم مالی و نظام بانکداری کاهش یابد (عسلی، ۱۳۸۸).

## ۲-۲. نکات حائز اهمیت در نظرات تخصصی مطرح شده از سوی انجمن ژنو و فدراسیون بیمه و

### بیمه اتکایی اروپا در مورد بحران مالی و وضعیت شرکت های بیمه

اگرچه اثرات این بحران در بسیاری از موارد ناگوار است، اما فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا معتقد است که این بحران، فرصت های مناسبی برای ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم به منظور بهبود مقررات و چهارچوب نظارت در سطح جهان فراهم کرده است. در همین راستا، اجلاس گروه ۲۰ که در ۲ آوریل ۲۰۰۹ در لندن برگزار گردید، فرصتی را برای غلبه بر بحران اقتصادی و مالی موجود از طریق فعالیت های هماهنگ بین المللی برای کشورهای عضو فراهم آورد.

از آنجایی که حفظ یک نظام مالی کارآمد و اثربخش بیشترین نفع را برای صنعت بیمه به همراه دارد، انجمن ژنو (انجمن بین المللی مطالعه اقتصاد بیمه) و همچنین فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا از اقدام گروه ۲۰ در این زمینه حمایت کردند و قبل از برگزاری اجلاس، نظرات تخصصی خود را در مورد وضعیت شرکت های بیمه در اختیار سران کشورهای عضو قرار دادند که در ادامه به نکات حائز اهمیت این نظرات و توضیح تفصیلی برخی از آنها پرداخته می شود.

### ۲-۲-۱. نکات عمومی

- صنعت بیمه و بیمه اتکایی، یک صنعت جهانی مهم برای اقتصادهای پیشرفته به شمار می رود. بیمه از مهم ترین ابزار جذب ریسک در جهان است و از افراد و شرکت ها در برابر عدم اطمینان حمایت می کند و باعث ایجاد فضای امن تر در جامعه می گردد. شرکت های بیمه، پس انداز برای دوران کهنسالی را سامان می دهند و به عنوان ارزیاب، تعدیل کننده و مدیر ریسک، نقش کلیدی ایفا می کنند. بیمه، پیش نیاز بسیاری از فعالیت های اقتصادی است، به ترتیبی که در سال ۲۰۰۷، کل حق بیمه های دریافتی معادل بیش از ۹٪ تولید ناخالص داخلی در کشورهای صنعتی، ۷/۵٪ تولید ناخالص داخلی در سطح جهان بوده است.

- به رغم مشکلاتی که در صنعت بانکداری به وجود آمده و فشار زیادی بر اقتصاد تحمیل کرده است، بازار بیمه و بیمه اتکایی همچنان به طور عادی به فعالیت خود ادامه می دهد و پذیرش ریسک و پرداخت خسارت همچنان طبق روال گذشته است؛ به عبارت دیگر، ویژگی های خاص صنعت بیمه و نحوه مدیریت دارایی ها و بدهی ها توسط بیمه گران از طریق محاسبه ذخایر فنی، حداقل الزامات سرمایه ای، الزامات سرمایه ای توانگری و تنظیم قوانین سرمایه گذاری، صنعت بیمه را از اثرات بد بحران مالی مصون داشته است.

- مدل کسب و کار و سیستم‌های مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه و بیمه اتکایی، آنها را قادر نموده است بر بحران غلبه کنند. شرکت‌های بیمه با سایر ارائه‌دهندگان خدمات مالی تفاوت اساسی دارند و تا به حال در برابر فشارهای موجود از خود انعطاف نشان داده‌اند. برخلاف بانک‌ها که متکی به سپرده‌های کوتاه‌مدت و تأمین مالی اعتباری کوتاه‌مدت هستند، وجوه مورد نیاز بیمه‌گران، پیشاپیش توسط حق بیمه تأمین می‌شود. به غیر از برخی بیمه‌نامه‌های زندگی عندالمطالبه، در اغلب موارد این گونه وجوه، قابل برداشت و یا بازخرید پیش از موعد نیستند. حتی در مورد بیمه‌نامه‌های زندگی به دلیل اعمال هزینه‌هایی بابت بازخرید پیش از موعد، معمولاً بازخرید پرهزینه می‌شود؛ بنابراین احتمال انجام آن نادر است. لذا بیمه‌گران سنتی نه تنها کمتر در معرض خطر کمبود نقدینگی هستند بلکه ایجادکننده چنین کمبودی هم نیستند.

- باید به این موضوع مهم توجه نمود که راه حل‌های ارائه‌شده برای حل مشکلات در صنعت بانکداری، قابل استفاده در صنعت بیمه نیست و لزوماً نتایج یکسانی به بار نمی‌آورد.

- از آنجایی که بیمه و بیمه اتکایی خسارت‌ها را از محل سرمایه‌گذاری‌ها، به‌خصوص روی محصولات ساختاریافته<sup>۱</sup> و سهام تأمین می‌کند و بازار این نوع محصولات تحت تأثیر بحران مالی فعلی قرار گرفته است، می‌توان گفت: تأثیری که بحران مالی بر بیمه‌گران اتکایی گذاشته است بیشتر به نقش آنها به‌عنوان صاحبان این نوع دارایی‌ها از طرف مشتریان و بیمه‌گذاران مربوط می‌شود.

- حفظ ثبات صنعت بیمه، امری حیاتی در اقتصاد کلان است. صنعت بیمه، نقشی در به‌وجود آمدن بی‌ثباتی مالی در سطح جهان نداشته است؛ ولی از وخامت شرایط بازار سرمایه تأثیر پذیرفته است. البته تنوع ریسک و عدم ارتباط و همبستگی بین ریسک‌های بیمه و ریسک‌های بازار تاکنون باعث ایجاد ثبات در این صنعت شده است؛ بنابراین مداخله دولت‌ها به‌ویژه در شرایط بحران مالی باید این اطمینان را ایجاد کند که اقدامات مناسب و متعادل‌کننده و اقتصادی به تریبی ارائه می‌گردد که حافظ عملکرد بی‌نقص صنعت بیمه باشد.

۱. محصولات ساختاریافته، ابزارهایی هستند که به‌صورت ترکیبی از سهام، اوراق قرضه و مشتقات مالی ایجاد می‌شوند و به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهند که از فرصت‌های کوتاه‌مدت ایجادشده در بازار به‌عنوان بخشی از استراتژی بلندمدت سرمایه‌گذاری خود استفاده کنند. در حقیقت سرمایه‌گذاران براساس سناریوهایی که در مورد روندهای آتی متغیرهای مختلف بازارهای مالی (دربرگیرنده بازار پول و بازار سرمایه) پیش‌بینی می‌کنند، محصول مناسب خود را انتخاب و از آن برای استفاده از فرصت مورد انتظار پیش‌رو استفاده می‌کنند (اسدی و نایی، ۱۳۸۶).

## ۲-۲-۲. ثبات مالی و بیمه

- مهم‌ترین موضوعی که باید به آن پرداخته شود، بازگرداندن ثبات و اعتماد مشتری نسبت به بازار است.
- از آنجایی که هر بحران، ویژگی‌های خاص خود را دارد، هیچ برنامه‌ای را نمی‌توان از قبل برای مدیریت بحران طراحی کرد. اما به هر حال، برای اتخاذ یک استراتژی مناسب، نیاز به هماهنگی بین‌المللی است.
- در بیانیه گروه ۲۰، وزرای دارایی موافقت نموده‌اند که قلمرو مؤسسات مهم از نظر سیستماتیک و مقررات مناسب این مؤسسات را معین کنند. رفتار مناسب با مؤسساتی که از جنبه سیستماتیک مهم هستند-یعنی مؤسساتی که شکست آنها باعث تحمیل ریسک بر نظام مالی یا عوامل اصلی آن می‌شود- نقشی حیاتی در حفظ ثبات مالی دارد. شناسایی مؤسسات مهم در سطح جهان باید با معیارهای مستحکم، روشن و صریح انجام شود. ابزارهای مؤثر دستگاه‌های نظارتی بیمه‌ای- از جمله مجامع- باید به کار برده شود و به‌طور مستمر در تمام کشورهای مورد استفاده قرار گیرد.
- تمام مؤسسات باید متناسب با مدل کسب‌وکار و نوع ریسک‌های خود و همچنین اثر بالقوه‌ای که بر ثبات مالی دارند، از یک چهارچوب اقتصادی مبنی بر ریسک استفاده کنند.
- در شرایط بحران مالی، دولت‌ها باید کاملاً مراقب عواقب ناخواسته ناشی از اعمال نفوذهای دولتی باشند. به‌خصوص در حوزه‌ای که این موضوع باعث ایجاد شرایط نابرابر بین مؤسساتی که به وجوه دولتی دسترسی دارند و آنهایی که چنین دسترسی ندارند، یا بین بخش‌های مختلف صنعت خدمات مالی و همچنین بین شرکت‌های محلی و گروهی (برای مثال زمانی که قابلیت دسترسی به وجوه دولتی برای هر دو وجود ندارد) می‌شود؛ بنابراین روش حمایتی مناسبی باید به کار گرفته شود که امکان رقابت ناسالم را محدود کند.
- در زمان بروز بحران مالی، دولت‌ها به سمت ایجاد موانع تجاری گرایش پیدا می‌کنند. درحالی‌که به‌کارگیری موانع جدید تجاری ممکن است باعث ایجاد اختلال در روند بهبود وضعیت بازار شود. سازمان تجارت جهانی و یا سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی می‌توانند نقش مهمی در جهت‌گیری از ایجاد این موانع داشته باشند.
- صنعت بیمه با سرمایه‌گذاری مناسب نه تنها به ثبات اقتصادی و مالی کمک می‌کند بلکه از این ثبات منتفع نیز می‌شود. نکاتی که در ادامه مطرح می‌شود باعث حفظ انعطاف‌پذیری صنعت بیمه و بیمه‌اتکایی می‌شود و باید در یک چهارچوب زمانی مناسب اجرا شود:

- در صورتی که بیم آن برود که طرح‌های دولت در بردارنده مخاطرات اخلاقی<sup>۱</sup> باشد، باید به بازارها اجازه فعالیت داده شود (مثلاً با خرید شرکت‌های رقیب ضعیف‌تر از لحاظ رتبه یا در صورت لزوم، ایجاد راه حل‌های انحلال و ...). زمانی دخالت دولت، مخاطره اخلاقی به همراه خواهد داشت که مؤسسات مالی به علت برخورداری از حمایت دولت اقدام به پذیرفتن ریسک‌های بالا نمایند، به طوری که در شرایط عادی و عدم وجود حمایت دولت از پذیرفتن این ریسک‌ها خودداری می‌نمودند.
- دخالت دولت تنها باید در موارد استثنایی (تنها به دلایل سیستمی) و همراه با حفظ امنیت باشد. نباید اجازه رقابت ناعادلانه با پول دولت داده شود و امکان دسترسی به بازار آزاد باید حفظ شود.

### ۲-۲-۳. مقررات و نظارت

- از آنجایی که مدل کسب و کار صنعت بیمه با سایر ارائه‌دهندگان خدمات مالی کاملاً متفاوت است و جوه مورد نیاز بیمه‌گران، پیشاپیش توسط حق بیمه تأمین می‌شود و همچنین شرکت‌های بیمه باعث ایجاد ریسک‌های سیستماتیک نمی‌شوند (مشابه آنچه که در بانک‌ها دیده می‌شود)، بنابراین در زمان طراحی چهارچوب نظارتی و مقررات مالی، این تفاوت باید مد نظر قرار گیرد.
- ساختار نظارتی آینده باید اهداف متعالی داشته باشد و مبتنی بر بنیان مستحکم مقررات ملی باشد. به تریبی که موجب افزایش ثبات مالی، حمایت از مشتری، تأمین شرایط یکسان فعالیت در صنعت خدمات مالی و همچنین افزایش هماهنگی در سطح جهان گردد. واکنش‌های ناهماهنگ ملت‌ها در برابر بحران و همچنین سیستم‌های حمایت‌گرا، مضر بوده و تضعیف‌کننده عملکرد بازارهای مالی در سطح جهان است و به مبادله بین‌المللی کالاها و خدمات آسیب می‌رساند.
- لزوم هماهنگی بیشتر و تبادل اطلاعات بین نهادهای نظارتی به وضوح احساس می‌شود.
- در صنعت بیمه از موانع اصلی انسجام و یکپارچگی در نظارت بین‌المللی، پراکندگی در چشم‌انداز نظارت بین‌المللی است. ایجاد یک مرکز تخصصی بین‌المللی باعث تسهیل هماهنگی و انسجام در سطح بین‌الملل می‌شود.

- فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا از پیشنهاد تشکیل انجمن نظارتی برای اتحادیه اروپا حمایت می‌کند؛ زیرا این انجمن، همکاری و هماهنگی برای نظارت را تسهیل می‌کند. مسئولیت‌ها در انجمن باید به وضوح تقسیم شود و همچنین باید یک ناظر به‌عنوان رهبر، با اختیارات و مسئولیت‌های مشخص تعیین شود و این امکان هم وجود داشته باشد که ناظرین کشور ثالث در این انجمن مشارکت کنند. فدراسیون بیمه و



بیمه اتکایی اروپا از تلاش های مجمع ثبات مالی<sup>۱</sup> و انجمن بین المللی ناظران بیمه<sup>۲</sup> برای ایجاد انجمن های نظارت بین المللی حمایت می کند و از رهبران گروه ۲۰ می خواهد که انجمن بین المللی ناظرین بیمه را در اجلاس شرکت دهند و همچنین راه را برای افزایش تلاش های این انجمن در جهت ایجاد یک چهارچوب نظارتی بین المللی مناسب برای گروه های بیمه گران و بیمه گران اتکایی هموار کنند.

- کانون توجه باید روی اصلاح سیستم نظارتی براساس مطالعات دقیق باشد. باید از عکس العمل های عجولانه خودداری شود و اصلاح در بخش هایی صورت گیرد که نقص نظارت وجود دارد. دخالت های بی مورد و ارائه راه حل های بدون مطالعه منجر به ناکارآمدی و بی ثباتی صنعت می گردد. افزایش الزامات سرمایه ای باید براساس ارزیابی دقیق و عینی ریسک باشد. الزامات سرمایه ای بیش از حد، به اندازه الزامات سرمایه ای ناکافی می تواند خطر ساز و ناکارآمد باشد؛ زیرا این موضوع باعث می شود که بیمه گران و بیمه گران اتکایی به اشتباه ریسک های خود را به بیمه گران با صلاحیت کمتر منتقل کنند و این موضوع متعاقباً باعث برهم خوردن ثبات مالی می شود.

- شواهد نشان می دهد که در حال حاضر نظارت بر گروه های بیمه و بیمه اتکایی کافی نیست. بحران مالی موجود، لزوم نظارت مناسب بر مؤسسات مالی که به صورت گروهی فعالیت می کنند را به خوبی نشان می دهد. سیستم فعلی، ابزار کارآمدی را برای شناسایی مسائل شرکت های گروهی در اختیار ناظرین قرار نمی دهد و شرایط اقتصادی گروه ها در بازار جهانی را به صورت واقعی منعکس نمی کند.

- برای نظارت بر گروه ها، یکپارچه سازی عملیات نظارت و مجهز نمودن نظارت کنندگان به یک ابزار نظارتی مشترک، نیاز به مجموعه ای از استانداردهای جهانی است.

- فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا، به شدت مدافع تغییر روش فعلی نظارت غیر منسجم بر گروه ها به یک روش اقتصادی مبتنی بر ریسک است که دربرگیرنده یک نظام حمایت از گروه ها به صورت تعدیل شده باشد. همچنین این فدراسیون از ایده های ارائه شده در گزارش گروه دولقوآسیق<sup>۳</sup> برای توسعه و همکاری و انسجام با افزایش نقش کمیته های سه سطحی ناظرین حمایت می کند؛ این کمیته ها و نقش آنها به این شرح است:

1. Financial Stability Forum (FSF)  
2. International Association of Insurance Supervisors (IAIS)  
3. de Larosière

### • کمیته تنظیم‌کنندگان مقررات مربوط به اوراق بهادار در اروپا<sup>۱</sup>

این کمیته متشکل از نمایندگان ارشد مراجع نظارت بر اوراق بهادار اتحادیه اروپا است. مراجع کشورهای عضو منطقه اقتصادی اروپا نیز در این کمیته شرکت دارند. وظایف این کمیته عبارتند از افزایش هماهنگی بین ناظرین بر اوراق بهادار، ارائه مشاوره به کمیسیون اتحادیه اروپا، فعالیت در جهت همسان‌سازی بیشتر و اجرای مداوم قوانین اتحادیه در کشورهای عضو.

### • کمیته ناظرین بر بانکداری اروپا<sup>۲</sup>

این کمیته متشکل از نمایندگان ارشد مراجع نظارت بانکداری و بانک‌های مرکزی اتحادیه اروپا است. مراجع کشورهای عضو منطقه اقتصادی اروپا نیز در این کمیته شرکت دارند. وظایف این کمیته عبارتند از ارائه مشاوره به کمیسیون اتحادیه اروپا، کمک به اجرای همسان رهنمودهای اتحادیه اروپا و منسجم‌نمودن عملیات نظارتی کشورهای عضو در سراسر اتحادیه، افزایش همکاری نظارتی از جمله مبادله اطلاعات.

### • کمیته ناظرین بر مستمری بازنشستگی و بیمه اروپا<sup>۳</sup>

این کمیته متشکل از نمایندگان ارشد مراجع نظارت مستمری بازنشستگی و بیمه کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. مراجع کشورهای عضو منطقه اقتصادی اروپا نیز در این کمیته شرکت دارند. وظایف این کمیته عبارتند از ارائه مشاوره به کمیسیون اتحادیه اروپا، کمک به اجرای همسان رهنمودهای اتحادیه اروپا و منسجم‌نمودن عملیات نظارتی کشورهای عضو در سراسر اتحادیه، تلاش در جهت یکپارچه‌سازی نظارت بر شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی.

فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا از تلاش به‌منظور بهبود نظارت بر ریسک‌های سیستمی نیز حمایت می‌کند.

- مقررات نباید تحت تأثیر نوسانات اقتصادی قرار گیرد، باید منعطف بوده و در برابر چرخه اقتصادی پاسخگو باشد. این موضوع هم به مقررات خاص صنعت بیمه مربوط می‌شود و هم به تمام قواعد نظارتی (مثل قوانین رقابت و...) که کل سیستم اقتصاد یا بخش‌هایی از آن را همزمان تحت تأثیر قرار می‌دهد.

1. Committee of European Securities Regulators (CESR)

2. Committee of European Banking Supervisors (CEBS)

3. Committee of European Insurance and Occupational Pensions Supervisors (CEIOPS)

- در مقررات باید فعالیت های برون مرزی، وضعیت گروه های بین المللی و ریسک های خاص آنها نیز در نظر گرفته شود. مقررات باید با یک روش همگن، بین فعالیت های مشابه پرریسک در مؤسسات مختلف تمایز قائل شود و علاوه بر اثرات تنوع بخشی (از نظر رشته و منطقه جغرافیایی)، اثرات تجمع و پراکندگی در یک گروه را نیز مد نظر قرار دهد.

- انجمن بین المللی ناظران بیمه، مؤسسه ای مهم با توان بالقوه برای بهبود نظارت در سطح جهان، افزایش سازگاری سیستم نظارتی و هماهنگی در خارج از مرزهای ملی است.

- به منظور ارائه راه حل های مناسب و ایجاد تعادل بین جنبه های ایمنی و کارآمدی، مؤسسات دولتی و خصوصی باید با هم همکاری نزدیک داشته باشند. تا زمان ارائه طرح پیشنهادی اصلاح سیستم نظارتی باید بین دولت ها، دستگاه های نظارت و صنعت بیمه تعامل نزدیک و مداوم وجود داشته باشد.

#### ۲-۲-۴. مدیریت ریسک

- از عوامل بروز بحران فعلی، این است که نهادهای مرتبط (بانک های مرکزی، نهادهای نظارتی و بیمه گران سپرده های بانکی)، ریسک های ناشی از سیستم بانکداری را به شدت کمتر از میزان واقعی برآورد کرده بودند. جلوگیری از تکرار و تشدید این مشکل و کفایت سرمایه و ذخایر نقدینگی، تلاشی هماهنگ را در جهت طراحی یک مبنای مناسب برای افشای اطلاعات مالی و عوامل ریسک زا می طلبد. همچنین اطلاعات باید به شکل نظام یافته تر، شفاف و متناسب با نیاز جمع آوری شود.

- بحران مالی موجود اهمیت وجود یک مدیریت ریسک قوی و مستقل در شرکت های بیمه را پررنگ تر می کند. مهم ترین عوامل برای اجرای مدیریت ریسک اثربخش به این شرح است:

- در مورد تمام ریسک ها و تمام بخش های یک گروه باید یک دیدگاه کل نگر وجود داشته باشد. در این خصوص باید سیستم های منسجم مدیریت ریسک مؤسسه و کنترل ریسک داخلی توسعه یابد و به طور منظم نقد و ارزیابی شود. مدیریت ریسک منسجم یک فرآیند پویاست که به شرکت ها کمک می کند ریسک ها را در زمانی که در حال ظهور یا تشدید هستند سریعاً شناسایی کرده، همبستگی بین آنها با سایر ریسک ها را بررسی کنند و استراتژی ها و تکنیک های اداره آنها را تعیین کنند.

- ایجاد وظیفه مدیریت ریسک، مستقل از مسئولیت سود و زیان، در کنترل مؤثر ریسک داخلی نقش اساسی ایفا می کند. از آنجایی که صنعت بیمه از طریق برعهده گرفتن ریسک، کسب سود می کند، همواره در عملیات بیمه گری امکان تضاد در اولویت ها وجود دارد؛ زیرا هدف مدیریت ریسک اطمینان از این موضوع

است که خسارت‌های ناشی از ریسک‌های موجود مانع رسیدن مدیریت به هدف خود نباشد؛ درحالی‌که مسئولیت سود و زیان غالباً برعهده مدیران ارشد اجرایی است که باید حداکثر تلاش خود را در جهت تخصیص منابع شرکت برای به حداکثر رساندن سود انجام دهند. بنابراین مدیریت ریسک باید یک وظیفه مستقل از مسئولیت سود و زیان ولی کاملاً هم راستا با استراتژی شرکت باشد. مدیریت ریسک هم باید اقدام به بازنگری استراتژی شرکت نماید و هم ریسک‌های توأم با آن را ارزیابی کند. مدیر ارشد ریسک باید جایگاه و قدرتی برابر با مدیران ارشد اجرایی داشته باشد و امکان ارتباط مستقیم با هیئت مدیره و کمیته ریسک هیئت مدیره را داشته باشد.

• تمام ریسک‌ها اعم از مالی و غیرمالی باید شفاف باشند. این موضوع به‌خصوص برای تأمین امنیت به‌منظور احیای بازار صدق می‌کند.

• مدیریت مداوم دارایی و بدهی، عنصر اصلی یک مدیریت ریسک دقیق و مناسب در صنعت بیمه است و باید بر آن تأکید شود و توسعه یابد.

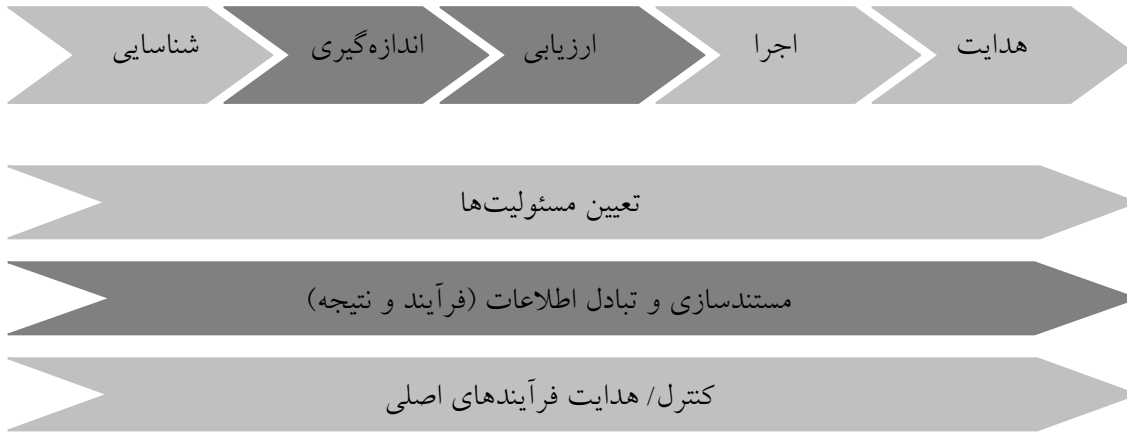
• بر تجمیع ریسک و ریسک‌های بزرگ موسوم به ریسک طرف مقابل<sup>۱</sup> باید به شدت نظارت شود. منظور از ریسک طرف مقابل، ریسک‌هایی است که مربوط می‌شود به عمل نکردن به تعهدات از سوی طرفین یک قرارداد؛ زیرا در هر معامله‌ای این امکان وجود دارد که یک طرف معامله قادر نباشد به وظایف و تعهدات خود به‌طور کامل عمل کند.

• مدل‌های درونی ریسک، ابزاری ضروری برای بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی جهت مشخص کردن سرمایه مورد نیاز، انجام سرمایه‌گذاری و گرفتن تصمیمات مربوط به عملیات بیمه‌گری می‌باشند. قبل از توضیح در مورد مدل‌های درونی ریسک لازم است که در مورد فرآیند مدیریت ریسک توضیحاتی داده شود. فرآیند مدیریت ریسک شامل دو بخش است که در نمودار ۱ نشان داده شده است (Liebwein, 2006).

- چه کاری انجام شود (گام‌های فرآیند اصلی)

- چگونه انجام شود (فعالیت‌های پشتیبانی)

## نمودار ۱. فرآیند مدیریت ریسک با فعالیت های اصلی و پشتیبانی کننده



## الف. فرآیند اصلی مدیریت ریسک

فرآیند اصلی مدیریت ریسک شامل این مراحل می شود (Liebwein, 2006):

- شناسایی عوامل ریسک<sup>۱</sup> واقعی یا بالقوه، ارتباط بین آنها و اثر آنها روی متغیرهای هدف شرکت (طراحی نقشه ریسک)
- کمی نمودن این عوامل، ارتباط آنها و متغیرهایی که در شرکت تحت تأثیر قرار می گیرند.
- انجام تحلیل حساسیت برطبق اثراتی که این عوامل روی متغیرهای هدف سطح بالای شرکت<sup>۲</sup> دارند؛ یعنی نقشه ریسک و وضعیت ریسک شرکت را ارزیابی می کند.
- شناسایی راه های کاهش ریسک و اجرای سه گام قبل برای تجزیه و تحلیل تأثیر به کارگیری روش های شناسایی شده؛ به عبارت دیگر، روش های مختلف کاهش ریسک از دیدگاه ریسک شرکت ارزیابی می گردد.
- روش های شناسایی شده طبق نتیجه به دست آمده اجرا می گردد (یا نسبت به اثربخشی آنها اطمینان حاصل می شود).
- در نهایت، با تکرار گام های اصلی فرآیند، وضعیت کلی ریسک اداره می شود.

1. Risk Factors

2. Compony's Top-Level Target Variables

### ب. فرآیند پشتیبانی مدیریت ریسک

این فرآیند تمام فعالیت‌های مربوط به اداره ریسک را دسته‌بندی می‌کند و تعیین می‌کند چه کسی، چه کاری، چه موقع، چند وقت یکبار و به چه دلیل انجام دهد. این مرحله شامل مستندسازی، تبادل اطلاعات مربوط به فرآیند و نتایج کلیدی هر گام فرآیند است و باید قابل ارزیابی باشد (Liebwein, 2006).

در نهایت فرآیند اصلی و سایر فعالیت‌های پشتیبانی باید هدایت و کنترل شوند.

نمودار ۱، مراحل فرآیندی را که مدل‌های ریسک در محدوده این چهارچوب در آن نقش بازی می‌کنند را نشان می‌دهد. مدل‌های ریسک در ابتدا عوامل ریسک، ارتباطات متقابل ریسک‌ها و وضعیت کلی ریسک - حداقل برای عناصر قابل کمی شدن در نقشه ریسک - را پوشش می‌دهند. بنابراین این مدل‌ها در زمان اندازه‌گیری ریسک، ارزیابی وضعیت ریسک و ارزیابی روش‌های مختلف کاهش ریسک، نقش مهمی دارند. علاوه بر این آنها به انتقال و تبادل نتایج به دست آمده کمک می‌کنند و باید به نحوی طراحی شوند که رویه نظارت و ارزیابی بر شرکت‌های بیمه را تسهیل کنند (Liebwein, 2006). در رابطه با مدل‌های ریسک، مدل‌های استاندارد وجود دارند که در سطح ملی قابل استفاده هستند. اما اگر شرکت‌های بیمه بر اساس شرایط خاص خود، به طراحی مدل‌های درونی ریسک بپردازند، چشم‌انداز ریسک آنها نسبت به حالتی که از مدل استاندارد استفاده می‌کنند، بهتر منعکس می‌شود.

تمام گروه‌های بیمه و بیمه اتکایی اروپایی بزرگ، مدل‌های درونی ریسک را به منظور مشخص کردن ظرفیت پذیرش ریسک برای رشته‌های مختلف بیمه و تعیین میزان سرمایه لازم برای پشتیبانی از عملکردشان طراحی کرده‌اند. در واقع شرکت‌های بیمه از مدل‌های درونی برای محاسبه الزامات سرمایه‌ای توانگری استفاده می‌کنند. علاوه بر این، دستگاه‌های نظارت نیز هنگامی که از شرکت‌ها می‌خواهند الزامات سرمایه‌ای نظارتی خود را تعیین کنند به این مدل‌ها مراجعه می‌کنند. این مدل‌ها به شرکت‌ها کمک می‌کند مدیریت دارایی و بدهی اثربخشی داشته باشند؛ به طوری که بتوانند اثر خالص ریسک را بر ارزش آینده دارایی‌ها و بدهی‌ها مشخص کنند. ضمناً این مدل‌ها یک نگرش جامع ایجاد می‌کنند و نشان می‌دهند که یک ریسک به تنهایی چگونه می‌تواند بسیاری از اقلام پرتفو را تحت تأثیر قرار دهد. از دیگر مزیت‌های مدل‌های درونی می‌توان به مدیریت ریسک مبتکرانه‌تر و مؤثرتر، کارایی بیشتر سرمایه و هزینه و بحث اثربخش‌تر بین بیمه‌گران، ناظرین، سهام‌داران و آژانس‌های تحلیل‌گر و تعیین‌کننده رتبه اشاره کرد.

با توجه به اهمیت مدل های درونی، این مدل ها باید به طور مداوم و براساس تغییرات محیطی به روز شوند تا بهترین بازده را داشته باشند. البته این مدل ها باید همراه با قضاوت صحیح مدیریت، آزمون سنجش ثبات<sup>۱</sup> و تفکر سناریویی<sup>۲</sup> باشند.

• صنعت بیمه باید تأکید بیشتری بر نظارت بر ریسک های نقدینگی داشته باشد. در بحران مالی قبلی و بحران فعلی، عامل عمده مشکلات شرکت ها در صنعت خدمات مالی، مدیریت نامناسب ریسک نقدینگی بوده است. باید توجه داشت که ریسک نقدینگی با ریسک مربوط به حداقل سرمایه لازم تفاوت دارد. ادامه توضیحاتی در مورد نقدینگی و حداقل سرمایه لازم می گردد تا تفاوت این دو بهتر مشخص گردد. در تحلیل های مالی متعارف، نقدینگی به معنای توانایی بنگاه در عمل به تعهدات، در زمان سر رسید آنهاست. این توانایی به ماهیت دارایی های در دسترس شرکت برای پوشش بدهی هایش بستگی دارد. درباره نقدینگی یک شرکت بیمه می توان با مقایسه وجوه نقد و اوراق بهادار قابل خرید و فروش در بازار، نسبت به کل ذخیره حق بیمه عاید نشده و ذخیره خسارت شرکت قضاوت کرد. این معیار مقایسه به این صورت تعریف می شود:

(وجوه نقد + دارایی های سرمایه گذاری شده به قیمت بازار)

= نسبت نقدینگی

(ذخیره حق بیمه های عاید نشده + ذخیره خسارت و هزینه های ارزیابی خسارت)

این نسبت باید بزرگ تر از واحد باشد تا نشان دهد که شرکت، توانایی پوشش ارزش ترازنامه ای تعهدات خود به بیمه گذاران را دارد (همتی و دهقانی، ۱۳۸۳).  
در بسیاری از کشورها، حداقل سرمایه ای که یک شرکت بیمه باید در اختیار داشته باشد، در قوانین بیمه تعیین می شود. این موضوع به ویژه در کشورهای در حال توسعه ای که محدودیت الزامات سرمایه ای، راهی برای کنترل سلامت مالی متقاضیان جدید در بازار محسوب می شود، کاملاً صحت دارد. این مقدار سرمایه، مقداری ثابت و یکنواختی است که به نوع رشته بیمه ای - که ضرورتاً به معنای ریسکی بودن آن فعالیت بیمه ای نیست - بستگی دارد. هدف از تعیین سرمایه بر پایه ریسک، تخمین سرمایه ای است که یک شرکت بیمه برای تحمل خسارت های ناشی از ریسک های مختلف شرکت به آن نیاز دارد.

۱. منظور از آزمون سنجش ثبات، بررسی این موضوع است که یک ابزار مالی در شرایط مختلف و سخت چگونه عمل می کند و چقدر ثبات دارد.

۲. در این نوع تفکر، چندین حالت محتمل برای آینده مثل سناریو ترسیم می شود و سپس فهرستی از پاسخ هایی که شرکت قابلیت ارائه آنها را دارد، تهیه می گردد. با این روش، شرکت در آینده، کمتر غافلگیر می شود و بهتر می تواند موقعیت رقابتی خود را حفظ کند.

ریسک نقدینگی، احتمال کافی نبودن منابع نقدی شرکت در تأمین نیازهای نقدی فعلی یا آینده را نشان می‌دهد و در مقایسه با ریسک‌هایی که موقعیت سرمایه یک شرکت بیمه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نیازهای نقدینگی، ناگهانی هستند. ممکن است در مواردی دارایی‌های سرمایه‌ای با ارزش، قابل تبدیل به پول نقد نباشند؛ بنابراین نگهداری سرمایه کافی نمی‌تواند نقدینگی کافی را تضمین کند. علاوه‌براین، سرمایه اضافی لزوماً به مفهوم نقدینگی اضافی نیست. مدیریت ریسک نقدینگی باید آمادگی لازم را برای مواجهه با شرایط غیرمنتظره داشته باشد و مدیریت بر نقدینگی باید به‌عنوان مکملی برای حداقل سرمایه لازم تقویت شود.

بنابراین بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی باید برنامه‌های مدیریت ریسک نقدینگی قدرتمندی را به‌عنوان بخشی از چهارچوب وسیع مدیریت ریسک مؤسسه خود در نظر بگیرند. شرکت‌های بیمه نیاز به یک سیاست نقدینگی قدرتمند، صریح و چهارچوبی دارند که ریسک نقدینگی را به شکل دقیق اندازه‌گیری، کنترل و مدیریت کند. شرکت‌ها و صنعت بیمه باید گزارش‌های شفاف‌تری در مورد ریسک‌های نقدینگی به ناظرین ارائه دهند. بهترین راه برای ارزیابی ریسک نقدینگی، آزمون سنجش ثبات است که به‌طور مرتب اداره و بازنگری می‌شود و علاوه‌بر وضعیت محل فعالیت بازارهای سرمایه و بیمه، ویژگی‌های خاص هر شرکت (نظیر دارایی‌ها و بدهی‌ها، پراکندگی بیمه‌گذاران و خدمت‌رسانی به آنها) را نیز در نظر می‌گیرد. از آنجایی که هر شرکتی، ریسک‌های نقدینگی مخصوص به خودش را دارد، بنابراین آزمون سنجش ثبات باید تا جایی که ممکن است خاص موقعیت آن شرکت باشد.

• انتقال تجربه بیمه‌گران در مدیریت ریسک‌های موسوم به ریسک‌های دنباله<sup>۱</sup> به سایر بخش‌های صنعت خدمات مالی به همراه آزمون سنجش ثبات و تفکر سناریویی، منجر به مدل‌سازی جامع ریسک می‌شود.<sup>۲</sup>

بهترین روش دفاع در برابر تشدید مشکلات، به‌کارگیری معیاری عینی و ثابت از ریسک است که تغییرات وسیع در محیط ریسک را مد نظر قرار می‌دهد. علاوه‌براین، ارزیابی و درجه‌بندی ریسک نه تنها باید بر مبنای تجربه گذشته باشد بلکه باید براساس سناریوهای محتمل برای آینده نیز باشد. شرکت‌ها باید حدود ریسک‌پذیری مناسبی داشته باشند که وجود تعادل در ریسک‌های پذیرفته‌شده را تضمین کند؛ حتی اگر مفهوم این کار، قبول ریسک، کمتر از آنچه مدل اجازه می‌دهد باشد. ضمناً در یک ریسک‌پذیری متعادل، تمام

### 1. Tail Risk

۲. فرض بر این است که بازده حاصل از پرتفوی سرمایه‌گذاری‌ها از یک توزیع نرمال پیروی می‌کند. با این فرض، احتمال اینکه بازده سرمایه‌گذاری‌ها نسبت به میانگین،  $\pm 3$  واحد انحراف معیار داشته باشد برابر  $99/97\%$  است؛ یعنی احتمال بازده بیش از  $\pm 3$  انحراف معیار نسبت به میانگین معادل  $0/03\%$  یا به عبارتی صفر است. به‌هر حال عبارت **tail risk** نشان می‌دهد که توزیع نرمال نیست؛ یعنی چوله است و دنباله عریض‌تری دارد. دنباله عریض‌تر، احتمال اینکه بازده سرمایه‌گذاری نسبت به میانگین بیش از سه انحراف معیار باشد را افزایش می‌دهد.



ارتباطات متقابل بین ریسک‌ها حتی مواردی که نسبت به حالت متوسط انحراف زیادی دارند، منعکس می‌گردد. این روش - یعنی اداره کردن مواردی که در دنباله متراکم‌تر هستند و استفاده از ارزش بازار برای ارزیابی ریسک‌هایی که شرکت در معرض آن قرار دارد - می‌تواند منجر به ایجاد سیستمی شود که سریع هشدار می‌دهد و به شرکت کمک می‌کند که ریسک خود را به تدریج کاهش دهد. ضمناً این تضمین را ایجاد می‌کند که ریسک‌هایی که شرکت در معرض آن قرار دارد متعادل و قابل مدیریت است، حتی اگر شرایط محیطی بسیار سخت باشد.

### • به کارگیری یک نظام توانگری بر پایه ریسک

مقررات توانگری II، باعث بهبود مدیریت ریسک و تخصیص سرمایه در شرکت‌های بیمه و بیمه اتکایی می‌شود و مقاومت آنها را در برابر بحران (همانند شرایط کنونی) افزایش می‌دهد. مشخصه نظام توانگری II، رویکرد یکپارچه نسبت به ریسک است؛ به طوری که ریسک‌هایی که بیمه‌گران با آن مواجه هستند را بهتر منعکس می‌کند و ضمانت این ریسک‌ها باید به شکل سرمایه توانگری نگهداری شود. ضمناً نظام توانگری II، ناظرین را به مکانیزمی مجهز می‌کند که بتوانند هر عاملی که توانایی بیمه‌گران را در انجام تعهداتشان در برابر بیمه‌گذاران تهدید نماید در مراحل اولیه شناسایی کنند؛ بنابراین نظام توانگری II، ابزاری در جهت حمایت از بیمه‌گذاران است.

مقررات توانگری II بر اساس اصول کلی پایه‌ریزی شده است نه قوانین تفصیلی. لزوم کمی نمودن ارتباط متقابل بین ریسک‌ها به صورت واضح و روشن، موجب می‌شود بیمه‌گران از مدل‌های داخلی خود برای اندازه‌گیری و مدیریت ریسک‌هایشان استفاده کنند. طبق نظام توانگری II، محاسبه وضعیت توانگری بر مبنای پارامترهای ارزش‌گذاری شده طبق ارزش بازار است و نوع و شدت الزامات و اعمال نظارت‌ها متناسب با ریسک یک شرکت و قابلیت مدیریت ریسک داخلی آن تعیین می‌شود.

مقررات توانگری II بر مبنای این سه رکن است:

- الزامات کمی که شامل اصولی برای محاسبه ذخایر فنی، حداقل الزامات سرمایه‌ای، الزامات سرمایه‌ای توانگری و قوانین سرمایه‌گذاری است.

- الزامات کیفی که شامل اصول کنترل و مدیریت ریسک داخلی و فرآیند بازنگری نظارتی است.

- اصول بازار که شامل افشاگری و شفافیت است.

در کل، نظام توانگری II باعث ایجاد یک بازار بیمه شفاف‌تر، حرفه‌ای‌تر و ایمن‌تر می‌گردد و ابزار قوی‌تری را برای مقاومت در برابر بحران مالی در اختیار بیمه‌گران، بیمه‌گران اتکایی و ناظرین قرار می‌دهد.

## ۲-۲-۵. حسابداری و سنجش ارزش

- شفافیت در عملیات حسابداری اهمیت ویژه‌ای دارد و ارزیابی مبتنی بر ارزش بازار همچنان به‌عنوان یک اصل، اساس اطلاعات مالی و مدیریت است و ابزار مؤثری در ارائه اطلاعات به سرمایه‌گذاران به شمار می‌رود و تغییر یا تضعیف این اصل باعث کاهش بیشتر اطمینان نسبت به بازار می‌شود. از معیارهای اساسی در هر مؤسسه‌ای، ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌هاست. چالش اساسی برای یک ارزیابی دقیق، فقدان نقدینگی است؛ به‌خصوص در زمانی که بازار مربوط به برخی از انواع دارایی‌ها و بدهی‌ها - مانند آنچه که در حال حاضر اتفاق افتاده است - تعطیل باشد. علاوه بر این، تعهدات (دیون) بیمه‌ای<sup>۱</sup> معمولاً با بازار نقد<sup>۲</sup> سروکار ندارد؛ ولی در طول مدت بیمه‌نامه تحقق پیدا می‌کند. به‌همین دلیل بسیاری از بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی چهارچوب ریسک‌های خود را بر مبنای ارزش بازار بنیان‌گذاری می‌کنند. ارزیابی مبتنی بر بازار به این معنی است که عناصری از دیون بیمه‌ای که قابل شبیه‌سازی<sup>۳</sup> در بازارهای مالی نقد هستند، براساس ارزش بازار ارزش‌گذاری می‌شوند و عناصری که قابل شبیه‌سازی نیستند، براساس مفروضات و مدل‌های درونی ارزش‌گذاری می‌شوند. از آنجایی که پارامترها در یک بازار معین - نظیر نرخ بهره، نوسانات<sup>۴</sup>، نقدینگی و حق‌بیمه ریسک - در طول زمان تغییر می‌کند، ارزیابی برطبق آنها تعدیل می‌شود. همین روش در مورد ارزیابی دارایی‌ها نیز کاربرد دارد. این فرآیند پویاست و ارزیابی اقتصادی واقعی در شرایط بازار را امکان‌پذیر می‌کند.

- محدودیت‌های سیستم‌های حسابداری که کاملاً وابسته به اطلاعات بازار در امر ارزیابی هستند باید شناسایی شوند. در مواقع کمبود نقدینگی شدید و بازارهای بحرانی که قیمت‌ها قابل مشاهده نیستند یا با چند معامله‌ای که نشانگر ارزش عینی نیستند تا حدودی قابل مشاهده‌اند باید از سایر روش‌های ارزیابی استفاده شود که بتواند شرایط اقتصادی را بهتر منعکس کند.

### 1. Insurance Liabilities

۲. Liquid Market: بازاری است با درجه بالای نقدینگی که غالباً دلیل آن تعداد زیاد خریداران و فروشندگان است.

۳. Replication: منظور از شبیه‌سازی این است که برای تعیین ارزش بعضی از قراردادهای بیمه، پرتفوی از مجموعه‌ای از اوراق بهادار در نظر گرفته شود که تعهدات و ریسک‌های آن مانند قرارداد بیمه مربوط باشد. ارزش این پرتفو می‌تواند برآوردی منطقی از ارزش تعهدات قرارداد بیمه باشد و برای این پرتفو اصطلاح Replication Portfolio یا پرتفو متناظر به‌کار برده می‌رود.

### 4. Volatility

طبق مقاله ارائه شده کارگروه ارزش منصفانه آکادمی اکچوئری آمریکا<sup>۱</sup> در مورد کاربرد اصول حسابداری ارزش منصفانه برای تعهدات توأم با قراردادهای بیمه‌ای، سه روش وجود دارد:

- روش اول:

- استفاده از ارزش بازار در زمانی که ارزش بازار موجود باشد.

هر زمان این امکان وجود داشته باشد که در یک بازار عمیق، وسیع و باز، یک سند مالی<sup>۲</sup> با پول نقد معاوضه گردد، آنگاه قیمت بازار، ارزش منصفانه است. در برخی موقعیت‌ها ممکن است بازار وجود داشته باشد، اما قیمت بازار به ارزش منصفانه نباشد. این موقعیت‌ها شامل این موارد است:

- ممکن است بازار عمیق، وسیع یا باز نباشد یا ممکن است هر معامله‌ای تحت شرایط خاصی انجام شود یا دربرگیرنده ملاحظات خاصی باشد؛ برای مثال ممکن است حجم مبادلات تجاری نسبت به دارایی گردانندگان اصلی بازار، ناچیز باشد. در چنین حالتی، بین عرضه و تقاضا تعادل وجود ندارد؛ بنابراین قیمت بازار به شدت تحت تأثیر نوسانات عرضه و تقاضا در روز معامله قرار می‌گیرد و نشان‌دهنده شرایط دائمی بازار نیست.

- ممکن است محدودیت‌هایی در رابطه با معاملات بازار وجود داشته باشد که تکمیل یک معامله بین دو طرف را غیرممکن سازد؛ برای مثال، یک شرکت بیمه آمریکایی با پرداخت به بیمه‌گر اتکایی نمی‌تواند کاملاً از زیر بار دیون تحت قراردادهایش خارج شود. تحت قوانین آمریکا، بیمه‌گر اصلی در همه حال در برابر ادعای خسارت در آینده - چه بیمه‌گر اتکایی به تعهدات خود در مورد جبران خسارت شرکت واگذارنده عمل کند و چه عمل نکند - مسئول است. از آنجایی که بیمه‌گر اولیه در چنین معاملات اتکایی نمی‌تواند ریسک را کاملاً منتقل کند، قیمت این معامله، ارزش منصفانه ریسک نیست. به هر حال قیمت معامله اتکایی تا حدودی می‌تواند نشان‌دهنده ارزش منصفانه باشد، مشروط بر اینکه ریسک‌های نگهداری شده نزد بیمه‌گر اصلی مد نظر قرار گیرد.

- در موارد معدودی، به واسطه اندازه سند مالی ممکن است ملاحظات خاصی وجود داشته باشد؛ برای مثال، یک دسته بزرگ سهام که معرف مالکیت قسمت عمده‌ای از سهام یک شرکت است و مالک آن

می‌تواند بر سیاست‌های شرکت کنترل داشته باشد، ارزش منصفانه بیشتری نسبت به مجموع قیمت بازار تک‌تک آن سهام دارد.

#### - روش دوم:

#### استفاده از ارزش بازار اسناد مالی مشابه و تعدیل در صورت نیاز

برخی از محصولاتی که در شرکت‌های بیمه عرضه می‌گردد، شباهت زیادی به سایر اسناد مالی دارد که شرکت‌های غیر بیمه‌ای عرضه می‌کنند. بیمه‌های مستمری تأخیری<sup>۱</sup> با ریسک بیمه‌ای حداقل، نمونه‌ای از این مورد است. با چنین محصولاتی، این امکان وجود دارد که پرتفویی از اوراق بهادار- که در بورس معامله می‌شود و تعهدات و ریسک‌هایی مشابه قرارداد بیمه‌ای مربوطه را دارد- ایجاد کرد. در چنین شرایطی ارزش پرتفوی این اوراق بهادار می‌تواند برآوردی منطقی از ارزش تعهدات قرارداد بیمه باشد؛ برای این پرتفو می‌توان اصطلاح پرتفوی متناظر را به کار برد.

در مورد ریسک‌های بیمه‌ای مانند فوت، شیوع بیماری و خسارت اموال، پرتفوی متناظر در بازارهای سرمایه‌گذاری موجود، وجود ندارد. به‌رحال در برخی موارد، ریسک‌های بیمه نسبت به ارزش اسناد مالی ناچیز هستند. در این موارد، ارزش پرتفوی متناظر از اوراق بهاداری که در بورس معامله می‌شود، می‌تواند رهنمودهایی را در مورد ارزش تعهدات قرارداد بیمه ارائه دهد، اما باید تعدیل‌هایی در آن صورت گیرد تا ریسک بیمه را منعکس کند.

#### - روش سوم:

#### استفاده از ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی

زمانی که هیچ ارزش بازاری در دسترس نیست، از ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی استفاده می‌شود. زمانی که ارزش بازار در دسترس نباشد (یا به دلایل فوق نشان‌دهنده ارزش منصفانه نباشد)، ارزش منصفانه باید براساس ارزش فعلی جریان‌های نقدی در آینده محاسبه گردد. روش ارزش فعلی اگر به‌درستی به کار

۱. Deferred Annuity: چنانچه شروع پرداخت مستمری بعد از گذشت سال‌های مشخصی از عمر یا رسیدن به سن مشخصی (معمولاً هنگام بازنشستگی) باشد به آن مستمری تأخیری (معوق) می‌گویند.

برود، یک تقریب منطقی از ارزش بازار است. این موضوع، به ویژه برای اسناد مالی که معمولاً تخمین جریان های نقدی مرتبط با آنها در آینده امکان پذیر است، صدق می کند.<sup>۱</sup>

- در شرایط پیچیده و غیر منطقی کنونی که کمبود یا عدم نقدینگی کوتاه مدت، ارزیابی برخی از دارایی های بیمه گران را با مشکل مواجه می سازد، عملیات نظارت باید طبق شرایط موجود تعدیل شود و نباید از ارزش کوتاه مدت دارایی ها در سیاست گذاری در مورد الزامات سرمایه ای استفاده شود. چهارچوب های نظارتی که متناسب با بازار نیستند، انگیزه های خطرناکی را ایجاد می کنند و باعث ایجاد یک حس ایمنی کاذب نسبت به میزان ریسکی که شرکت می تواند تقبل کند، می شوند. حتی تحت یک روش کاملاً اقتصادی در مورد ریسک و مقررات، ممکن است در شرایط محیطی خیلی سخت که بازارهای سرمایه آسیب می بینند، پدیده تشدید<sup>۲</sup> اتفاق افتد. این ریسک نقدینگی با مدل های اقتصادی قابل اداره نیست. زمانی که این حالت اتفاق می افتد، مداخله نظارتی باید منعطف باشد؛ به طوری که شرکت ها برای کاهش ریسک های خود در شرایط عدم نقدینگی تحت فشار قرار نگیرند. باید در نظر داشت که بیمه گران و بیمه گران اتکایی دارایی های زیادی را برای ایفای تعهدات خود در سررسید مقرر، نگهداری می کنند؛ بنابراین وجود یک عملیات نظارتی منعطف به منظور اجتناب از تکرار و تشدید مشکلات، لازم و ضروری است. به طور خلاصه، یک نظام ارزیابی قابل اعتماد مستلزم اطلاعات منسجم و روش های شفاف برای تفسیر است.

- هیئت تدوین کننده استانداردهای بین المللی حسابداری<sup>۳</sup> و هیئت تدوین کننده استانداردهای حسابداری مالی<sup>۴</sup> باید تلاش های خود را در جهت بررسی مجدد اصول ارزیابی دارایی ها و بدهی های مالی در شرایط کمبود و یا عدم نقدینگی بازارها افزایش دهند و مکانیزم حسابداری متفاوتی را در نظر بگیرند که هم راستایی بیشتری با سایر فعالیت ها در جهت نشان دادن عملکرد مناسب، جلب اطمینان مجدد نسبت به ارقام حسابداری و محدود کردن نوسانات در بازار داشته باشد. همچنین باید نقص ابزارهای مالی بازنگری شود و استانداردهای افشاء بهبود یابد؛ به خصوص به منظور اجتناب از تکرار مجدد مشکلات در زمان نوسانات شدید بازارها. هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری و هیئت استانداردهای حسابداری مالی

۱. در مورد تعهدات بیمه ای که مربوط می شود به تحویل کالاها و خدمات، می توان قیمت این کالاها و خدمات را تعیین کرده و به جای جریان های نقدی تنزیل کرد.

۲. Procyclicality: منظور از تشدید، شرایطی است که در آن نیروهای اقتصادی میل دارند بر دامنه نوسانات اقتصادی بیفزایند و تنزل آهسته را به کسادهای ژرف تبدیل کنند.

3. International Accounting Standards Board (IASB)

4. Financial Accounting Standards Board (FASB)

آمریکا به پیشرفت‌هایی در این زمینه نائل شده‌اند؛ برای مثال توافق در مورد استانداردهای حسابداری اصلاح‌شده برای تعیین ارزش منصفانه یک دارایی مالی در زمانی که بازار برای آن دارایی غیرفعال است. گام منطقی بعدی، آزمون مجدد استانداردها برای ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌های مالی در بازارهای غیرنقد یا دچار مشکل، بازنگری قوانین ناقص و بهبود افشاگری است.



# پیوستہا

پروفیسر شہناز گل خان  
کتاب خانہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پہنل جامع علوم انسانی

## پیوست ۱:

اهم مطالب ارائه شده به اجلاس گروه ۲۰ در نامه مورخ ۳۰ مارس ۲۰۰۹ انجمن ژنو درباره بحران مالی اخیر و وضعیت شرکت های بیمه

اجلاس گروه ۲۰ که در ۲ آوریل ۲۰۰۹ در لندن برگزار شد، فرصتی را برای غلبه بر بحران اقتصادی و مالی موجود از طریق فعالیت های هماهنگ بین المللی برای کشورهای عضو فراهم آورد. از آنجایی که حفظ یک نظام مالی کارآمد و اثربخش بیشترین نفع را متوجه صنعت بیمه می کند، انجمن ژنو (انجمن بین المللی مطالعه اقتصاد بیمه) از اقدام گروه ۲۰ در این زمینه حمایت کرد.

انجمن ژنو، یک سازمان جهانی غیرانتفاعی است که توسط ۸۰ مدیر عامل از شرکت های مطرح بیمه در سطح جهان تشکیل شده است و به عنوان یک گروه تحقیقی سرآمد در زمینه بیمه فعالیت می کند. این انجمن قبل از برگزاری اجلاس گروه ۲۰ در لندن، نظرات تخصصی خود را در مورد برخی از مهم ترین جنبه های نقش بیمه و عملکرد بازارهای بیمه به این شرح در اختیار وزرای دارایی کشورهای عضو گروه ۲۰ قرار داد:

## الف) نکات عمومی

- صنعت بیمه و بیمه اتکایی، یک صنعت جهانی مهم برای اقتصادهای پیشرفته به شمار می رود. بیمه از مهم ترین ابزار جذب ریسک در جهان است و از افراد و شرکت ها در برابر عدم اطمینان حمایت می کند و باعث ایجاد فضای امن تر در جامعه می گردد. شرکت های بیمه، پس انداز برای دوران کهن سالی را سامان می دهند و به عنوان ارزیاب، تعدیل کننده و مدیر ریسک، نقش کلیدی ایفا می کنند و بیمه، پیش نیاز لازم برای بسیاری از فعالیت های اقتصادی است. در سال ۲۰۰۷، کل حق بیمه های دریافتی معادل بیش از ۹٪ تولید ناخالص داخلی در کشورهای صنعتی و ۷/۵٪ تولید ناخالص داخلی در سطح جهان بود.

- به رغم مشکلاتی که در صنعت بانکداری به وجود آمده و فشار زیادی بر اقتصاد تحمیل کرده است، بازار بیمه و بیمه اتکایی همچنان به طور عادی به فعالیت خود ادامه می دهد و پذیرش ریسک و پرداخت خسارت همچنان طبق روال گذشته است.

- مدل کسب و کار و سیستم های مدیریت ریسک شرکت های بیمه و بیمه اتکایی، آنها را قادر کرده است بر بحران غلبه کنند. شرکت های بیمه با سایر ارائه دهندگان خدمات مالی تفاوت اساسی دارند و تا به حال در برابر فشارهای موجود از خود انعطاف نشان داده اند. برخلاف بانک ها که متکی به سپرده های کوتاه مدت و



تأمین مالی اعتباری کوتاه‌مدت هستند، وجوه مورد نیاز بیمه‌گران پیشاپیش توسط حق‌بیمه تأمین می‌شود. در اغلب موارد چنین وجوهی - به غیر از برخی بیمه‌نامه‌های زندگی عندالمطالبه - قابل برداشت و یا بازخرید پیش از موعد نیستند. حتی در مورد بیمه‌نامه‌های زندگی به دلیل اعمال هزینه‌های بابت بازخرید پیش از موعد، معمولاً بازخرید پرهزینه می‌شود؛ بنابراین احتمال انجام آن نادر است؛ لذا بیمه‌گران سنتی نه تنها کمتر در معرض خطر کمبود نقدینگی هستند بلکه ایجادکننده چنین کمبودی هم نیستند.

- تأثیری که بحران مالی بر بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی گذاشته است، بیشتر مربوط به نقش آنها به‌عنوان صاحبان دارایی‌ها از طرف مشتریان و بیمه‌گذاران می‌شود. بیمه و بیمه اتکایی خسارت‌ها را از محل سرمایه‌گذاری‌ها، به‌خصوص روی محصولات ساختاریافته و سهام تأمین می‌کنند.

- حفظ ثبات صنعت بیمه، امری حیاتی در اقتصاد کلان است. صنعت بیمه، نقشی در به‌وجودآمدن بی‌ثباتی مالی در سطح جهان نداشته است؛ ولی از وخامت شرایط بازار سرمایه تأثیر پذیرفته است. البته تنوع ریسک و عدم ارتباط و همبستگی بین ریسک‌های بیمه و ریسک‌های بازار تاکنون باعث ایجاد ثبات در این صنعت شده است. مداخله دولت‌ها باید این اطمینان را ایجاد کند که اقدامات مناسب و متعادل‌کننده و اقتصادی به ترتیبی ارائه می‌شود که حافظ عملکرد بی‌نقص صنعت بیمه باشد.

### ب) ثبات مالی و بیمه

- مهم‌ترین موضوعی که باید به آن پرداخته شود، بازگرداندن ثبات و اعتماد مشتری است.

- از آنجایی که هر بحران، ویژگی‌های خاص خود را دارد، هیچ برنامه‌ای را نمی‌توان از قبل برای مدیریت بحران طراحی نمود. اما به‌هر حال، برای اتخاذ یک استراتژی مناسب نیاز به هماهنگی بین‌المللی است.

- در بیانیه گروه ۲۰، وزرای دارایی موافقت نموده‌اند که قلمرو مؤسسات مهم از نظر سیستماتیک و مقررات مناسب این مؤسسات را معین کنند. می‌دانیم رفتار مناسب با مؤسسات مهم از نظر سیستماتیک - یعنی مؤسساتی که شکست آنها باعث تحمیل ریسک بر نظام مالی یا عوامل اصلی آن می‌شود - جنبه حیاتی در حفظ ثبات مالی دارد. شناسایی مؤسسات مهم در سطح جهان باید با معیارهای مستحکم، روشن و صریح انجام شود. ابزارهای مؤثر دستگاه‌های نظارتی بیمه‌ای از جمله مجامع باید به‌کار برده شود و به‌طور مستمر در تمام کشورها استفاده شود.

- تمام مؤسسات باید متناسب با مدل کسب و کار و نوع ریسک‌های خود و همچنین اثر بالقوه‌ای که بر ثبات مالی دارند، از یک چهارچوب اقتصادی مبتنی بر ریسک استفاده کنند.

- از آنجایی که مداخله دولت باعث ایجاد شرایط نابرابر بین بخش‌های مختلف صنعت خدمات مالی، بین شرکای بازار داخلی و شرکت‌های تابعه گروهی و بین شرکت‌هایی که به وجوه تأمین‌شده از سوی دولت دسترسی دارند و آنهایی که دسترسی ندارند، می‌شود، دولت‌ها باید کاملاً نسبت به تأثیرات وسیع این مداخله در بازار آگاه باشند.

- یک صنعت بیمه با سرمایه‌گذاری مناسب نه تنها به ثبات اقتصادی و مالی کمک می‌کند بلکه از این ثبات منتفع نیز می‌شود. این نکات باعث حفظ انعطاف‌پذیری صنعت بیمه و بیمه‌اتکایی می‌شود و باید در چهارچوب زمانی مناسب اجرا شود:

- در صورتی که بیم آن برود که طرح‌های دولت در بردارنده مخاطرات اخلاقی باشد، باید به بازارها اجازه فعالیت داده شود (مثلاً با خرید شرکت‌های رقیب ضعیف‌تر از لحاظ رتبه یا در صورت لزوم ایجاد راه حل‌های انحلال و ...).

- دخالت دولت تنها باید در موارد استثنایی (تنها برای دلایل سیستمی) و همراه با حفظ امنیت باشد. نباید اجازه رقابت ناعادلانه با پول دولت داده شود و باید امکان دسترسی به بازار آزاد حفظ شود.

### ج) مقررات و نظارت

- از آنجایی که مدل کسب و کار صنعت بیمه با سایر ارائه‌دهندگان خدمات مالی کاملاً متفاوت است و همچنین شرکت‌های بیمه باعث ایجاد ریسک‌های سیستماتیک، مشابه ریسک بانک‌ها نمی‌شوند، بنابراین در زمان طراحی چهارچوب نظارتی و مقررات مالی، این تفاوت باید مد نظر قرار گیرد.

- ساختار نظارتی آینده باید اهداف متعالی داشته و مبتنی بر بنیان مستحکم مقررات ملی باشد؛ به ترتیبی که موجب افزایش ثبات مالی، حمایت از مشتری، تأمین شرایط یکسان فعالیت در صنعت خدمات مالی و همچنین افزایش هماهنگی در سطح جهان گردد. واکنش‌های ناهماهنگ ملت‌ها در برابر بحران و همچنین سیستم‌های حمایت‌گرا، مضر بوده و تضعیف‌کننده عملکرد بازارهای مالی در سطح جهان است و به مبادله بین‌المللی کالاها و خدمات آسیب می‌رساند.

- لزوم هماهنگی بیشتر و تبادل اطلاعات بین نهادهای نظارتی به وضوح احساس می‌شود.

- در صنعت بیمه یکی از موانع اصلی یکپارچگی و همگرایی در نظارت بین‌المللی، پراکندگی در چشم‌انداز نظارت بین‌المللی است. ایجاد یک مرکز تخصصی بین‌المللی باعث تسهیل هماهنگی و انسجام در سطح بین‌الملل می‌شود.

- کانون توجه باید بر روی اصلاح سیستم نظارتی براساس مطالعات دقیق باشد. باید از عکس‌العمل‌های عجولانه خودداری شود و اصلاح در بخش‌هایی صورت گیرد که نقص نظارت وجود دارد. دخالت‌های بی‌مورد و ارائه راه‌حل‌های بدون مطالعه منجر به ناکارآمدی و بی‌ثباتی صنعت می‌گردد. افزایش الزامات سرمایه‌ای باید براساس ارزیابی دقیق و عینی ریسک باشد. الزامات سرمایه‌ای بیش از حد، به اندازه الزامات سرمایه‌ای ناکافی می‌تواند خطرناک و ناکارآمد باشد؛ زیرا این موضوع باعث می‌شود که بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی به اشتباه ریسک‌های خود را به بیمه‌گران با صلاحیت کمتر منتقل کنند و این موضوع متعاقباً باعث برهم‌خوردن ثبات مالی می‌شود.

- مقررات نباید تحت تأثیر نوسانات اقتصادی قرار گیرد، باید منعطف بوده و در برابر چرخه اقتصادی پاسخگو باشد. این موضوع هم به مقررات خاص صنعت بیمه مربوط می‌شود و هم به تمام قواعد نظارتی (مثل قوانین رقابت و...) که کل سیستم اقتصاد یا بخش‌هایی از آن را هم‌زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- در مقررات باید فعالیت‌های برون‌مرزی، وضعیت گروه‌های بین‌المللی و ریسک‌های خاص آنها نیز در نظر گرفته شود. مقررات باید با یک روش همگن، بین فعالیت‌های مشابه پرریسک در مؤسسات مختلف تمایز قائل شود و علاوه بر اثرات تنوع بخشی (از نظر رشته و منطقه جغرافیایی)، اثرات تجمع و پراکندگی در یک گروه را نیز مدنظر قرار دهد.

- انجمن بین‌المللی ناظران بیمه، یک مؤسسه مهم با توان بالقوه برای بهبود نظارت در سطح جهان، افزایش سازگاری سیستم نظارتی و هماهنگی در خارج از مرزهای ملی است.

- به‌منظور ارائه راه‌حل‌های مناسب و ایجاد تعادل بین جنبه‌های ایمنی و کارآمدی، مؤسسات دولتی و خصوصی باید با هم همکاری نزدیک داشته باشند. تا زمان ارائه طرح پیشنهادی اصلاح سیستم نظارتی باید بین دولت‌ها، دستگاه‌های نظارت و صنعت بیمه تعامل نزدیک و مداوم وجود داشته باشد.

**د) مدیریت ریسک**

- از عوامل بروز بحران این بود که نهادهای مرتبط (بانک‌های مرکزی، نهادهای نظارتی و بیمه‌گران سپرده‌های بانکی)، ریسک‌های ناشی از سیستم بانکداری را به شدت کمتر از میزان واقعی برآورد کرده بودند؛ بنابراین جلوگیری از تکرار مجدد این مشکل، کفایت سرمایه و ذخایر نقدینگی، تلاشی هماهنگ در جهت طراحی مبنای مناسب برای افشای اطلاعات مالی و عوامل ریسک‌زا را می‌طلبد. همچنین اطلاعات باید به شکل نظام‌یافته‌تر، شفاف و متناسب با نیاز جمع‌آوری شود.

- بحران موجود اهمیت وجود یک مدیریت ریسک قوی و مستقل در شرکت‌های بیمه را پررنگ‌تر می‌کند. مهم‌ترین عوامل برای اجرای مدیریت ریسک اثربخش در یک شرکت عبارتند از:

- در مورد تمام ریسک‌ها و تمام بخش‌های یک گروه باید یک دیدگاه کل‌نگر وجود داشته باشد. در این خصوص باید سیستم‌های منسجم مدیریت ریسک مؤسسه و کنترل ریسک داخلی توسعه یابد و به‌طور منظم نقد و ارزیابی شود.

- ایجاد وظیفه مدیریت ریسک، مستقل از مسئولیت سود و زیان، در کنترل مؤثر ریسک داخلی نقش اساسی ایفا می‌کند.

- شفافیت تمام ریسک‌ها اعم از مالی و غیرمالی؛ این موضوع به‌خصوص برای تأمین امنیت به‌منظور احیای بازار صدق می‌کند.

- مدیریت مداوم دارایی و بدهی، عنصر اصلی یک مدیریت ریسک دقیق و مناسب در صنعت بیمه است و باید بر آن تأکید شود و توسعه یابد.

- بر تمرکز ریسک و ریسک‌های بزرگی که مربوط می‌شود به عمل‌نکردن به تعهدات از سوی طرفین قرارداد باید به شدت نظارت شود.

- مدل‌های درونی، ابزاری ضروری برای بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی جهت مشخص کردن سرمایه مورد نیاز، انجام سرمایه‌گذاری و گرفتن تصمیمات مربوط به عملیات بیمه‌گری می‌باشند. این مدل‌ها باید به‌طور مداوم و براساس تغییرات محیطی به روز شوند تا بهترین بازده را داشته باشند. البته این مدل‌ها باید همراه با قضاوت صحیح مدیریت، آزمون سنجش ثبات و تفکر سناریویی باشند.

- صنعت بیمه باید تأکید بیشتری بر نظارت بر ریسک‌های نقدینگی داشته باشد. مدیریت بر نقدینگی باید به‌عنوان مکملی برای حداقل سرمایه لازم تقویت شود.

• انتقال تجربه بیمه‌گران در مدیریت ریسک‌های موسوم به ریسک‌های دنباله به سایر بخش‌های صنعت خدمات مالی به همراه آزمون سنجش ثبات و تفکر سناریویی منجر به مدل‌سازی جامع ریسک می‌شود.

### ه) حسابداری و سنجش ارزش

- شفافیت در عملیات حسابداری اهمیت ویژه‌ای دارد و ارزیابی مبتنی بر ارزش بازار همچنان به‌عنوان یک اصل است که اساس اطلاعات مالی و هدایت مدیریت است و ابزار مؤثری در ارائه اطلاعات لازم به سرمایه‌گذاران به شمار می‌رود. تغییر یا تضعیف این اصل باعث کاهش بیشتر اطمینان نسبت به بازار می‌شود. - محدودیت‌های سیستم‌های حسابداری که به‌طور کلی وابسته به اطلاعات بازار در امر ارزیابی می‌باشند باید شناسایی شوند. در مواقع کمبود نقدینگی شدید و بازارهای بحرانی که قیمت‌ها قابل مشاهده نیستند یا با چند معامله‌ای که نشانگر ارزش عینی نیستند تا حدودی قابل مشاهده‌اند، باید از سایر روش‌های ارزیابی که بتواند شرایط اقتصادی را بهتر منعکس کند، استفاده شود.

- در چنین شرایط پیچیده و غیرمنطقی که کمبود یا عدم نقدینگی کوتاه‌مدت، ارزیابی برخی از دارایی‌های بیمه‌گران را با مشکل مواجه می‌سازد، عملیات نظارت باید طبق شرایط موجود تعدیل شود؛ زیرا ارزش کوتاه‌مدت دارایی‌ها نباید در سیاست‌گذاری در مورد الزامات سرمایه‌ای استفاده شود. باید در نظر داشت که بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی، دارایی‌های زیادی را برای ایفای تعهدات خود در موعد مربوطه نگهداری می‌کنند؛ بنابراین وجود یک عملیات نظارتی منعطف به‌منظور اجتناب از تکرار و تشدید مشکلات، لازم و ضروری است.

- هیئت تدوین‌کننده استانداردهای بین‌المللی حسابداری و هیئت تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری مالی باید تلاش‌های خود را در جهت بررسی مجدد اصول ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌های مالی در شرایط کمبود و یا عدم نقدینگی بازارها افزایش دهند و مکانیزم حسابداری متفاوتی را در نظر بگیرند که هم‌راستایی بیشتری با سایر فعالیت‌ها در جهت نشان‌دادن عملکرد به‌طور مناسب، جلب اطمینان مجدد نسبت به ارقام حسابداری و تحدید نوسانات در بازار داشته باشد. همچنین باید نقص ابزارهای مالی بازنگری شود و استانداردهای افشاء بهبود یابد؛ به‌خصوص به‌منظور اجتناب از تکرار مجدد مشکلات در زمان نوسانات شدید بازارها.

## پیوست ۲: اهم مطالب ارائه شده در نامه مورخ ۲۷ مارس ۲۰۰۹ فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا به نخست‌وزیر انگلستان درباره بحران مالی اخیر و وضعیت شرکت‌های بیمه

بحران مالی بر همه کسب‌وکارها و تمام مردم در سراسر جهان تأثیر گذاشته است. اگرچه اثرات این بحران در بسیاری از موارد ناگوار است، اما فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا معتقد است که این بحران فرصت‌های مناسبی را نیز برای ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم در جهت بهبود مقررات و چهارچوب نظارت در سطح جهان فراهم می‌کند. با توجه به فشار روی نهادهای ملی و منطقه‌ای، ریسک عدم یکپارچگی در نظارت وجود دارد. اقدام گروه ۲۰ در این خصوص امیدبخش یک توافق جمعی است که می‌تواند بازارهای مالی جهان را بازسازی کند. در واقع یک همکاری و هماهنگی جهانی در انجام اقدامات به‌منظور بهبود نظارت بر خدمات مالی و افزایش سرعت بهبود وضعیت لازم است.

بنابراین فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا مایل است که از گروه ۲۰ حمایت کند و پیش از اجلاس لندن در ۲ آوریل، در بحث خدمات مالی به‌خصوص در مورد چهارچوب نظارتی و مقررات مربوط به بیمه مشارکت کند.

### - بیمه با بانکداری تفاوت دارد

ویژگی‌های خاص بیمه و مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها توسط بیمه‌گران، صنعت بیمه را از اثرات بد بحران مالی مصون داشته است. صنعت بیمه به‌طورکلی با بانکداری تفاوت دارد و با اندکی استثناء، نسبت به شوک‌های سیستم مالی منعطف است. باید به این موضوع مهم توجه کرد که راه حل‌های ارائه شده برای حل مشکلات در صنعت بانکداری، قابل استفاده در صنعت بیمه نیست و لزوماً نتایج یکسانی به بار نمی‌آورد.

### - در اروپا به‌کارگیری مقررات توانگری II، ابزار مناسب‌تری برای مقاومت در برابر بحران مالی فراهم می‌کند.

به‌کارگیری یک نظام توانگری بر پایه ریسک، مقررات توانگری II، باعث بهبود مدیریت ریسک و تخصیص سرمایه در شرکت‌های بیمه و بیمه اتکایی می‌شود و مقاومت آنها را در برابر بحران (همانند شرایط کنونی) افزایش می‌دهد. علاوه بر این، سیستم نظارت جدید، ناظرین را به مکانیزمی مجهز می‌کند که هر عاملی که توانایی بیمه‌گران را در انجام تعهداتشان در برابر بیمه‌گذاران تهدید نماید در مراحل اولیه شناسایی

کنند. طبق نظام توانگری II، نوع و شدت الزامات و اعمال نظارت‌ها متناسب با ریسک یک شرکت و قابلیت مدیریت ریسک داخلی آن تعیین می‌شود. نظام توانگری II ابزار قوی‌تری را برای مقاومت در برابر بحران مالی در اختیار بیمه‌گران، بیمه‌گران اتکایی و ناظرین قرار می‌دهد.

### - لزوم نظارت بر گروه‌ها: روش اقتصادی مبتنی بر ریسک هم‌راستا با واقعیت اقتصادی گروه‌ها

شواهد نشان می‌دهد که در حال حاضر نظارت بر گروه‌های بیمه و بیمه اتکایی کافی نیست. بحران مالی موجود، لزوم نظارت مناسب بر مؤسسات مالی که به صورت گروهی فعالیت می‌کنند را به خوبی نشان می‌دهد. سیستم فعلی، ابزار کارآمدی را برای شناسایی مسائل شرکت‌های گروهی در اختیار ناظرین قرار نمی‌دهد و شرایط اقتصادی گروه‌ها در بازار جهانی را به صورت واقعی منعکس نمی‌کند.

فدراسیون بیمه و بیمه اتکایی اروپا، به شدت مدافع تغییر روش فعلی نظارت بر گروه‌ها (که به صورت غیرمنسجم است) به یک روش اقتصادی مبتنی بر ریسک است (که دربرگیرنده یک نظام حمایت از گروه‌ها به صورت تعدیل شده است). همچنین این فدراسیون از ایده‌های ارائه‌شده در گزارش گروه دولقوآسیق برای توسعه همکاری و انسجام با افزایش نقش کمیته‌های سه سطحی ناظرین حمایت می‌کند. این فدراسیون از تلاش به منظور بهبود نظارت بر ریسک‌های سیستمی نیز حمایت می‌کند.

### انجمن نظارتی یک گام مثبت به جلو

فدراسیون از پیشنهاد تشکیل انجمن نظارتی برای اتحادیه اروپا حمایت می‌کند؛ زیرا این انجمن همکاری و هماهنگی برای نظارت را تسهیل می‌کند. مسئولیت‌ها در انجمن باید به وضوح تقسیم شود و باید یک ناظر به‌عنوان رهبر، با اختیارات و مسئولیت‌های مشخص تعیین شود و ضمناً این امکان هم وجود داشته باشد که ناظرین کشور ثالث در این انجمن مشارکت کنند. ما از تلاش‌های مجمع ثبات مالی و انجمن بین‌المللی ناظران بیمه برای ایجاد انجمن‌های نظارت بین‌المللی حمایت می‌کنیم و از رهبران گروه ۲۰ می‌خواهیم که انجمن بین‌المللی ناظرین بیمه را در اجلاس شرکت دهند و همچنین راه را برای افزایش تلاش‌های این انجمن در جهت ایجاد یک چهارچوب نظارتی بین‌المللی مناسب برای گروه‌های بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی هموار کنند. برای نظارت بر گروه‌ها و یکپارچه‌سازی عملیات نظارت و مجهز کردن نظارت‌کنندگان به یک ابزار نظارتی مشترک، نیاز به مجموعه‌ای از استانداردهای جهانی است.

### - لزوم وجود قوانین حسابداری متناسب با بازار

ارزیابی متناسب با بازار، باعث افزایش شفافیت و نظم بازار می‌شود و ارزیابی درستی از ریسک‌های مرتبط با دارایی‌ها و بدهی‌ها فراهم می‌کند. جهت بهبود روش دستیابی به ارزیابی متناسب با بازار، به‌خصوص در بازارهای غیرنقد باید تلاش فراوانی شود.

### - لزوم کنترل اثرات نوسانات اقتصادی بر روی شاخص‌ها

ضمن حمایت از روش ارزیابی متناسب با بازار، باید قوانین هوشمندانه‌ای به‌کار گرفته شود تا بتواند تأثیراتی که نوسانات اقتصادی بر شاخص‌ها می‌گذرد را کنترل کند. برای حصول این امر باید تلاش مضاعفی صورت گیرد.

### - اجتناب از حمایت‌گرایی<sup>۱</sup>

دولت‌ها باید کاملاً مراقب عواقب ناخواسته ناشی از اعمال نفوذهای دولتی باشند؛ به‌خصوص در حوزه‌ای که این موضوع باعث ایجاد شرایط نابرابر بین مؤسساتی که به وجوه دولتی دسترسی دارند و آنهایی که چنین دسترسی ندارند، یا بین بخش‌های مختلف صنعت خدمات مالی و همچنین بین شرکت‌های محلی و گروهی می‌شود (برای مثال زمانی که قابلیت دسترسی به وجوه دولتی برای هر دو وجود ندارد)؛ بنابراین روش حمایتی مناسبی باید به‌کار گرفته شود که امکان رقابت ناسالم را محدود کند. در زمان بروز بحران مالی، دولت‌ها به سمت ایجاد موانع تجاری گرایش پیدا می‌کنند. درحالی‌که به‌کارگیری موانع جدید تجاری ممکن است باعث ایجاد اختلال در روند بهبود وضعیت بازار شود. سازمان تجارت جهانی و یا سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی می‌توانند نقش مهمی در جهت جلوگیری از ایجاد این موانع داشته باشند.



## منابع

۱. اسدی، غلام‌حسین و نایبی، بهادر ۱۳۸۶، "دانش بازار سرمایه"، *روزنامه سرمایه*، ش ۴۵۳، ص ۱۷.
۲. اوترویل، ژان فرانسوا ۱۳۸۳، *مبانی نظری و عملی بیمه*، ترجمه همتی، عبدالناصر و دهقانی، علی، انتشارات پژوهشکده بیمه (وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران)، چ ۳.
۳. عسلی، مهدی ۱۳۸۸، "بحران در بازارهای مالی جهان، دلایل، ابعاد و پیامدهای احتمالی آن"، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ش ۱۷۷۶.
4. American Academy of Actuaries 2002, *Fair valuation of insurance liabilities, principles and methods*, viewed 3 March 2009 <<http://www.actuary.org>>.
5. CRO FORUM 2009, *Insurance risk management response to the financial crisis*, viewed 2 May 2009 <[www.croforum.org](http://www.croforum.org)>.
6. Liebowitz, P 2006, "Risk model for capital adequacy: applications in the context of solvencyII and beyond", *The Geneva Papers on Risk and Insurance- Issues and Practice*, vol.31, pp. 528-50.
- 7- Swiss Re 2006, "SolvencyII: an integrated risk approach for European insurance", *Sigma*, no.4.
8. *The CEA Letter to Gordon Brown ahead of G-20 Summit 2009*, viewed 5 June 2009 <[www.cea.eu](http://www.cea.eu)>.
9. *The Geneva Association Letter to the Finance Ministers of the G-20 Governments 2009*, viewed 5 June 2009 <<http://www.genevaassociation.org>>.